



بررسی سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب

پدیدآورده (ها) : شاکری حسین آباد، صدیقه

علوم اجتماعی :: نامه جامعه :: تابستان 1394 - شماره 114

از 57 تا 78

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1119804>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 04/12/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب

صدیقه شاکری حسین آباد*

چکیده

المناقب معروفترین اثر ابن شهر آشوب، پیرامون مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده است که مورخین و محدثین پس از ابن شهر آشوب از جمله قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) در الخرائج و الجرائح و اربلی (م ۶۹۲) در کشف الغمه و مجلسی (م ۱۱۱۱) در دو کتاب بحار الانوار و حیات القلوب از این اثر ارزشمند استفاده کرده‌اند. این نوشتار در پی روشن نمودن روش سیره‌نویسی و تاریخ‌نگاری وی در سیره نبوی است. ابن شهر آشوب مدعی است که در نگاشتن این کتاب از تعصب و ذکر امور بی پایه و نادرست دوری کرده و حقایق کتمان شده را به شیوه صحیح آشکار نموده است. ابن شهر آشوب در مقدمه ارزشمند خویش به گونه‌ای مشروح به روش کار و منابع و طرق حدیثی خود پرداخته است. وی روش سیره‌نویسی خود را بر مبنای اصول زیر قرار داده است: استناد گزارش‌های تاریخی به آیات، روایات و اشعار؛ بهره‌گیری از اقوال اهل سنت؛ در برخی موارد تجزیه و تحلیل رخدادها و گزارش‌ها؛ توجه دادن مخاطب به جنبه‌های خارق‌العاده زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ برجسته نمودن صفات و ارزش‌های اخلاقی در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

واژگان کلیدی: مناقب، ابن شهر آشوب، سیره نبوی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مقدمه

در فاصله قرن چهارم تا ششم هجری بخشی از کتاب‌های شیعه، پیرامون زندگانی امامان و اثبات امامت آن‌ها نگاشته شده است. طبعاً در این آثار بخشی از زندگانی تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز درج شده است؛ مانند کتاب *الارشاد* شیخ مفید (م ۴۱۳) و کتاب *الثاقب فی المناقب* از ابو جعفر محمد بن علی معروف به ابی حمزه (م ۵۵۲) و *دلایل الامامة* محمد بن جریر طبری (م قرن ششم). می‌توان گفت علت نگاشتن این‌گونه کتاب‌ها به جهت رویکرد خاص رایج در آن زمان بود که در کنار نص، از ابزار جدیدی برای اثبات امامت ائمه علیهم السلام استفاده می‌شد. این ابزار جدید همان دلایل و معجزات بود؛ از این رو کتب دلایل نگاری و معجزات مطرح شد. در این میان گاهی نیز به اختصار زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و معجزات ایشان را هم ذکر می‌کردند؛ مانند کتاب *الخرائج و الجرائح* از قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳). در این میان مرحوم طبرسی (م ۵۴۸) در کتاب *اعلام الوری بأعلام الهدی* قسمت عمده کتابش را به ذکر زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد که اثری ماندگار برای یک عالم شیعی محسوب می‌شود.

از سبک‌های گردآوری احادیث که از دیرباز در بین محدثان شیعه و اهل سنت رایج بوده، مناقب‌نویسی است. این شیوه با الهام از قرآن و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله است که همواره مردم را به دوستی و مودت اهل بیت علیهم السلام دعوت می‌کردند. از آن‌جا که حصول این دوستی موقوف به بررسی فضایل و مناقب آن بزرگواران است، عده‌ای از علما اقدام به تدوین کتاب‌هایی در ذکر مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام نموده‌اند و صدها کتاب با نام مناقب یا نام‌های دیگر در همین موضوع تألیف کرده‌اند. در این میان کتاب مناقب ابن شهر آشوب جایگاه ویژه‌ای دارد.

ابن شهر آشوب در کتاب *ارزشمند مناقب* بخشی را به شرح زندگانی و فضایل و مناقب حضرت ختمی مرتبت اختصاص داده است. بی‌شک تاریخ مناقب‌نویسی نزد امامیه بدون نام ابن شهر آشوب شناخته شده، نیست. نه کتابی پیش از این بدین گستردگی به کار پرداخته و از این آوازه برخوردار شده و نه کتابی پس از آن توانسته است از آن بی‌نیاز باشد و از آن نقل یا اقتباس نکند. وی این اثر مهم و مفصل را با بهره‌گیری از صدها کتاب تألیف نموده است و با نقل مصادر مختلف و ذکر اسامی آن‌ها کار با ارزشی انجام داده است. به ویژه آن‌که این کتاب پیش از حمله مغول تألیف شده و لذا به کتاب‌هایی دسترسی داشته که پس از آن احیاناً مفقود شده است. طبق بررسی به عمل آمده درباره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه مناقب تاکنون مقاله‌ای

چاپ نشده است ولی در اولین کنگره ابن شهر آشوب در مجموعه مقالات دو جلدی درباره مناقب و موضوعات مختلف آن پژوهش‌هایی در قالب مقاله صورت گرفته که چاپ و منتشر شده است. مقاله حاضر در صدد است تا روش سیره‌نویسی ابن شهر آشوب در کتاب مناقب و تأثیر بر آثار بعدی را بررسی نماید.

ابن شهر آشوب

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی‌الجیش سَرَوی مازندرانی ملقب به رشیدالدین و عزالدین (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۰) در جمادی‌الثانی سال ۴۸۸ ق ولادت یافت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۶، ص ۳۶۴) و یک سده بعد در شعبان سال ۵۸۸ ق در حلب چشم از جهان فرو بست. (قمی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱، ص ۳۳۳)

وی از دانشمندان و محدثین و فقها و ادیب بلند آوازه شیعه دوازده امامی است. او را انسانی نمکین کلام، بسیار عالم، خاشع و اهل عبادت و شب زنده‌داری و دائم الوضو معرفی می‌کنند. (الصفدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۷) جد وی شیخ شهر آشوب^۱ مازندرانی، فاضلی محدث و از شاگردان شیخ طوسی بود. (ابن شهر آشوب، [بی‌تا] [الف]، ج ۱، ص ۱۱ و ۱۲)

ابن شهر آشوب در خانواده‌ای روحانی و علاقه‌مند به دانش و اهل بیت (علیهم‌السلام) تربیت شد. در هشت سالگی قرآن کریم را حفظ کرده بود و به وی «حافظ» می‌گفتند. (الصفدی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۷؛ ابن شهر آشوب، [بی‌تا] [ب]، ص ۳) وی در شهرهای مختلف ایران، عراق و سوریه نزد دانشمندان شتافت و برای کسب علوم بیشتر و فنون دیگر همت گماشت.

وی با استفاده از محضر استادان بزرگ در علوم و فنون گوناگون از قبیل ادبیات عرب، شعر، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، معقول و... به حد کمال رسیده و در هر کدام به مقام استادی نائل گردید. یکی از مهم‌ترین مهارت‌های ایشان که منابع بر آن تأکید دارند، توانایی بارز خطیب بودن ایشان است که در برخی از آثار وی هم چون مناقب به خوبی می‌توان این مهم را دریافت. پس مدت‌ها در بغداد که در آن زمان مرکز علوم اسلامی بود، اقامت نمود و در همان جا از جانب خلیفه عباسی ملقب به شیخ الطائفه ثانی شد و به تدریس علوم و فنون پرداخت و هم در

۱. درباره وجه تسمیه وی مطلبی یافت نشد، مگر این‌که شهر آشوب نام یکی از دهات سدن مازندران می‌باشد. (سیاح، دائرة المعارف سیاح، ج ۲، ص ۸۸۹)

آن رشته‌ها کتاب نوشت. پس از آن که خلیفه عباسی مستضی‌ع‌الله (سی و سومین خلیفه عباسی ۵۷۵ - ۵۳۶) به تقویت افکار و گسترش عقاید و اقتدار علمای حنبلی پرداخت و به تضعیف مخالفان روی آورد. ابن شهرآشوب به شهر حله مهاجرت کرد و کرسی درس خود را در حله رونق بخشید و پس از آن به شهر موصل و سپس به شهر حلب هجرت، و تا آخر عمر در آن شهر زندگی کرد. (خوانساری، ۱۴۰۱ق، ج ۷، ص ۲۱۵)

وی علاوه بر پدر و جدش از محضراستادان بزرگی از جمله احمد غزالی (م ۵۲۰)، فضل بن حسن ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸)، احمد بن علی طبرسی (م قرن ششم)، ابوالحسن بیهقی (م ۵۰۷)، فرید خراسان معروف به ابن فندق (م ۵۶۵)، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸)، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳)، فتال نیشابوری (م ۵۰۸) و... بهره برد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۱؛ قمی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۳۳)

ابن شهرآشوب علاوه بر بهره‌مندی از اساتید شیعه، از علمای اهل سنت مانند محمد بن احمد نطنزی (م قرن ششم) نویسنده کتاب *الخصائص العلویة علی سائر البریة و جارا لله زمخشری معتزلی* (م ۵۳۸) بهره برده و در نزد وی تفسیر کشف و ربیع الابرار و الفائق فی غریب الحدیث را خوانده و از او اجازه نقل روایات آن کتاب‌ها را دریافت نموده است. (ابن شهرآشوب، [بی تا] [ب]، ص ۸) وی به تربیت شاگردان بسیاری از جمله: جمال الدین ابوالحسن علی بن شعره حلّی جامعانی^۱ (م ۵۸۱) ابن ادریس حلّی (م ۵۴۴ - ۵۹۸)، ابن بطریق حلّی (م ۶۰۰ - ۵۲۳)، ابن ابی طی حلّبی (م ۶۳۰ - حدود ۵۷۵) و ابن زهره حلّبی (م ۵۸۵ - ۵۱۱) پرداخت.

ابن شهرآشوب در اکثر علوم اسلامی مانند علوم قرآنی، حدیث، تاریخ و انساب، تألیفات ارزنده‌ای به یادگار گذاشته که مورد توجه عالمان و دانشمندان قرار گرفته است. در کتب تراجم‌نگاری برای وی حدود سی کتاب ذکر شده است.^۲ ابن شهرآشوب خود در کتاب *معالم العلماء*، از دوازده کتابش نام برده است از جمله: *مناقب آل ابی طالب*، *مثالب النواصب*، *المخزون و المکنون فی عیون الفنون*، *الطرائق*، *الاسباب و النزول علی مذهب آل الرسول ﷺ*، *الحاوی*،

۱. ابن شهرآشوب در سال ۵۸۱ به خط خود به وی اجازه داده است که تمامی تألیفات او از جمله *معالم العلماء* را روایت کند.

(دوانی، مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۵۰۱)

۲. جدیداً نرم‌افزار کتابخانه ابن شهرآشوب مشتمل بر کتاب‌های موجود از مناقب نیز توسط مرکز تحقیقاتی کامپیوتری علوم اسلامی نور تهیه شده است.

متشابه القرآن، الاوصاف و المنهاج. (ابن شهرآشوب، معالم العلماء، [بی تا]، ص ۱۱۹) تنها کتاب‌های
متشابه القرآن، معالم العلماء و مناقب آل ابی طالب از وی به چاپ رسیده است.
گرچه ابن شهرآشوب کتابی شناخته شده در فقه و اصول نداشته لیکن در این دو رشته دارای
اطلاعات وسیعی بوده است، چنان‌که شاگردانش وی را اغلب با لقب «فقیه» یاد می‌کردند.
(موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۲)

کتاب مناقب

این کتاب معروف‌ترین اثر ابن شهرآشوب است. تألیف این کتاب بنا بر نقل ابوالوقت سجزی
(م ۵۵۳) اندکی پس از ۵۵۳ ق در بغداد صورت گرفته است. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۲) این
کتاب نخستین بار در سال ۱۳۱۳ق، به کوشش علی محلاتی حائری در بمبئی در دو جلد چاپ
سنگی شد و پس از آن در ایران و عراق به چاپ رسید. گزارش این چاپ‌ها چنین است:

- به کوشش شیخ محمود بروجردی و به دستور سید احمد حسینی و خط احمد

تفرشی در تهران به سال ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ قمری در دو جلد چاپ سنگی؛

- به تحقیق محمدکاظم کتبی در نجف، المكتبة و المطبعة الحیدریة به سال

۱۳۷۶ قمری در سه جلد؛

- به تحقیق هاشم رسولی محلاتی در قم، المطبعة العلمية در چهار جلد. همین

چاپ چند نوبت افست شده است؛

- به تحقیق یوسف البقاعی در بیروت، دارالاضواء به سال ۱۴۱۲ قمری در پنج

جلد که یک جلد آن نمایه است؛

- به تحقیق علی السید جمال اشرف الحسینی در قم، المكتبة الحیدریة به سال

۱۴۳۱ قمری در ۱۲ جلد و بدون نمایه؛ (صابری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰)

- به تازگی برگردان فارسی این کتاب توسط حسین صابری در شش جلد در

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است.

طبق آن چه مؤلف در مقدمه کتاب آورده، این کتاب با ذکر مناقب پیامبر ﷺ آغاز و پس از آن به

ذکر ائمه علیهم السلام پرداخته و سپس به ذکر صحابه و تابعین ختم شده است. اما نسخ موجود کتاب با

بخش مربوط به امام حسن عسکری علیهم السلام پایان می‌پذیرد. این احتمال که بخش پایانی کتاب

اساساً توسط ابن شهر آشوب تألیف نشده باشد، منتفی است؛ زیرا وی خود در کتاب معالم العلماء به بخش مربوط به امام مهدی علیه السلام ارجاع داده است و ابن طاووس (م ۶۷۳) در کتاب الملاحم از آن بخش کتاب مناقب قسمت‌هایی نقل کرده است.

کتاب مناقب توسط حسین بن جبر (قرن هفتم) تلخیص شده و نخب المناقب نام یافته است. مرحوم محدث نوری آورده است: «کتاب مناقب که در زمان ما و زمان‌های پیش‌تر تا عصر علامه مجلسی در دسترس بوده، اصل آن نیست؛ بلکه مختصر آن که ابن جبر یا دیگری برگزیده است». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۴۸۵) اوصافی که ابن جبر برای کتاب مناقب آورده است، این تصور را به وجود می‌آورد که نسخه مورد استفاده او از حیث ذکر اسناد و تفکیک احادیث، کامل‌تر از نسخه موجود و از نظر حجم مفصل‌تر از آن بوده است؛ به همین دلیل مرحوم نوری نتیجه گرفته که نسخه حاضر در واقع همان نخب المناقب ابن جبر یا تلخیص دیگری از مناقب است. به هر حال با توجه به نقص کتاب مناقب در بخش پایانی، هم‌چنین یافت نشدن برخی از مطالب موجود در کتاب نخب المناقب در نسخه حاضر از مناقب و برخی شواهد دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که مناقب حاضر نسبت به متن اصلی نقایصی دارد ولی مقایسه آن با نسخه نخب المناقب ابن جبر نشان می‌دهد که کتاب موجود همان نخب المناقب نیست. (موسوی، بجنوردی،

۱۳۷۷، ج ۴، ص ۹۱)

برخی منابع و مآخذ و کتب رجال و فهراس آورده‌اند که اصل کتاب مناقب مفقود است؛ زیرا اصل این کتاب کتاب بزرگی بوده است. آقابزرگ در الذریعة نقل می‌کند که این کتاب در سال ۶۵۸ قمری به خط ابی القاسم بن اسماعیل بن عنان الحلی استنساخ شده است، اما اصل مناقب مفقود است. مناقب کتاب بزرگی بود که وزن جزئی از آن (یک جلد) «فکان تسعة ابطال» ۹ رطل بوده است. آن‌چه که موجود است، منتخب مناقب موسوم به النخب است که البته النخب نیز موجود نیست و آن‌چه که موجود است، بخش ناقصی از النخب است. (آقابزرگ تهرانی، [بی‌تا]، ج ۲۲، ص ۳۱۸ و ۳۱۹)

شیوه سیره‌نگاری در کتاب مناقب

ابن شهر آشوب در مقدمه کتاب مناقب به طرق و منابع و مآخذ کتاب اشاره، و صحت اسنادش را به بزرگ‌ترین کتاب‌ها و طرق عامه و خاصه منسوب می‌کند. سپس توضیح می‌دهد

که چگونه در فضایی از نامهربانی و جفای مخالفان و کینه‌توزان و ترس و عزلت‌گزینی دوستان و هم‌رهان، شگفت‌زده از آن همه ستم‌ها و انکارها پیرامون فضیلت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) توانسته به دور از تعصب‌های جاهلانه و پیروی از انصاف، با دلایل روشن سنت صحیح را آشکار کرده و بدعت‌ها و خطاها را برملا ساخته و حق را یاری کند.

روش کار ابن‌شهرآشوب در این کتاب را می‌توان از دو جهت مورد توجه قرار داد:

۱. شیوه گردآوری اسناد

ابن‌شهرآشوب در مقدمه آورده است که از گروهی از صاحبان دانش و دین به شیوه: سماع^۱، قرائت^۲، مناوله^۳، مکاتبه^۴ و اجازه^۵، روایات و اسناد خویش را جمع‌آوری نموده، سپس سلسله سندهای گزارش‌هایش را از طریق عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعه) ذکر نموده و نام پنجاه و اندی از کتاب‌های عامه و خاصه را با ذکر اسنادشان می‌آورد.^۶ در قسمت طریق نقل از «تفاسیر» نیز اسناد خود را با ذکر نام ۴۳ کتاب تفسیری مهم شیعه و اهل سنت مرتبط ساخته است.

با توجه به این‌که مرسل‌نگاری در قرن ششم مرسوم بوده است، ابن‌شهرآشوب نیز به شیوه برخی کتب سیره و تاریخ، سلسله سندها را قبل از هر گزارش نیاورده و به متون اخبار کفایت کرده است و علت آن را اجماع همه عالمان بر صحت این کتاب‌ها، شهرت آن اخبار و پرهیز از اطناب و زیاده‌گویی دانسته است، ولی با بیان طرق نقلش متذکر می‌شود که بدین گونه اخبار و روایات

۱. بهترین نوع تحمل حدیث است و چه خواندن شیخ از روی کتاب باشد، چه از حفظ و چه دیکته کردن برای شاگرد. در این قسم جایز است شاگرد بگوید حدیثنا و أخبرنا و أنبأنا و سمعت فلانا و قال لنا فلان و ذکر لنا فلان. (مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۳۳ و ۱۳۴)

۲. قرائت، خواندن و قرائت نزد شیخ است، چه خود شیخ قرائت کند یا دیگری بخواند و او بشنود، چه خواندن از حفظ باشد یا از روی کتاب بخواند. (مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۳۱)

۳. یعنی استاد کتاب خود را به شاگرد داده و به وی اجازه نقل آن را دهد. (مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۳۶ و ۱۳۷)

۴. شیخ برای شخص حاضر یا غایب احادیثی نوشته، آن‌گاه به وی اجازه روایت دهد و بگوید خبرنی فلان مکاتبه و کتابه. (مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۳۷)

۵. یعنی اذن استاد به شاگرد در نقل مسموعات یا مؤلفات خویش است، گرچه شاگرد از استاد سماع نکرده باشد که انواع مختلفی دارد. (مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۳۵)

۶. به عنوان مثال می‌گوید: سلسله سند نقل ما از بخاری از این طریق سامان یافته است: از ابو عبدالله محمد بن فضل صاعد فراری و از ابو عثمان سعید بن عبدالله عیار صعلوکی و از خبازی، این هر سه از ابوالهیثم کشمیهنی، از ابو عبدالله محمد فریری، از محمد بن اسماعیل بن مغیره بخاری، هم چنین از ابوالوقت عبدالاول بن عیسی بحری، از داوودی، از سرخسی، از فریری، از بخاری.

کتاب مناقب از دایره خبر مرسل خارج و به احادیث مسند ملحق شده‌اند. وی خاطر نشان می‌کند، نوشته‌هایی که به دست من رسیده یا مستقیماً از طریق خود نویسنده‌ها به من رسیده است یا با چند واسطه در نهایت به نویسندگان اصلی می‌رسد. هم چنین سعی نموده اخباری را نقل کند که از نظر سند یا به حد تواتر برسد تا هیچ گونه شکی در سندش نباشد یا لااقل به حد شهرت رسیده باشد.

۲. شیوه‌گزینش اخبار

روش ابن شهرآشوب در گزینش اخبار را به اختصار می‌توان چنین آورد:

أ. گزینش قسمت‌هایی خاص مربوط به بحث مورد نظرش در اخباری که با یکدیگر تداخل داشته یا طولانی بوده‌اند.

ب. انتخاب گزارش‌هایی که معانی و مفاهیم را با کلمات و واژگانی کمتر نقل نموده‌اند.

ج. پرهیز (اجتناب) از ذکر اخباری که دور از ذهن و غریب است، مگر آن‌که با

تأویل و تفسیر قابل پذیرش باشند. بدین صورت که یا موافق قرآن باشد یا راویان

بسیاری آن را نقل کرده باشند که در این صورت به علم ضروری و بدیهی تبدیل

شده باشد، یا دارای آثاری قابل مشاهده از طریق حس بینایی برای نویسنده

کتاب در زمان وی بوده یا به سمع و نظر وی رسیده و یا برخی از آن‌ها بر سر

زبان‌ها افتاده بود که شاعران و شعرآموزان آن اخبار را در سخن خود می‌آوردند.

ابن شهرآشوب پس از آن خاطر نشان می‌کند که آن‌چه در مناقب آمده یا اجماعی است که

قابل انکار نیست یا متواتر و یقین‌آور است یا چنان در نزد مخالف مشهور است که به هیچ وجه

نمی‌توانند آن را انکار نمایند، به ویژه که این شهرت بر گفته‌های ثقات ایشان تکیه دارد و از این

راه شیعه به راحتی می‌تواند بر خصم احتجاج کند و در پایان این را برای کسی که پذیرای سخن

حق باشد، کافی می‌داند.^۱ (ابن شهرآشوب، [بی‌تا] (ب)، ص ۱۲ و ۱۳)

ابن شهرآشوب به سبب توانمندی و آفری که در ادبیات عرب داشته با جمع قرائن، سعی

نموده معنای هر کلمه را دریافته و راهی متقن و محکم در ارائه مطالب ببیماید.

۱. اما علی‌رغم ادعای ابن شهرآشوب در مقدمه مناقب، برخی از محققان معاصر تاریخ می‌گویند: روایات کتاب غالباً مرسله و احیاناً

منفرد است. برخی از روایات آن نیز غرائب است و استبعاد جدی عقلانی دارد؛ در نتیجه بخشی از آن که غرائب و منفردات

باشد، پذیرفتنی نیست. (رک: حکیم‌زاده، شیوه استفاده از متون تاریخی، ص ۷۱ و ۷۲)

نکات زیر بیانگر روش کار ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب است:

- عدم اعتماد وی به برخی راویان؛
- اعتراض و طعن به برخی دانشمندان اهل سنت؛
- تکیه بر نقش حضرت علی (علیه السلام)؛
- استفاده از منابع شیعی و اهل سنت؛
- اختصار و پرهیز از زیاده‌گویی؛
- احتجاج به ظواهر کلام همراه با استدلال بر معنا و فحوای کلام؛
- یک دست کردن اخبار با در هم آمیختن گزارش‌ها؛
- استفاده از آیات قرآن، روایات و اشعار.

ابن شهر آشوب کتاب مناقب را در چهار بخش به شرح زیر مرتب نموده است:

۶۵

بخش اول: درباره پیامبر ختمی مرتبت (ص) است که موضوع مقاله حاضر است.
بخش دوم: درباره مقامات، فضایل، کرامت‌ها و قضاوت‌های امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) و ظلم‌ها و مصیبت‌های وارده بر ایشان و سایر ائمه (علیهم السلام) است که به ترتیب زمانی اشاره شده است.

بخش سوم: این بخش با احادیث پیامبر (ص) در مورد جانشینی حضرت علی (علیه السلام) آغاز شده و در ادامه به فضایل معنوی و شجاعت‌های آن حضرت و مقام و جایگاه ایشان در قیامت اشاره شده است. در پایان به فضایل و زندگی نامه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و نیز مباحثی پیرامون امامت فرزندان آن حضرت پرداخته شده است.
بخش چهارم: احوالات، فضایل و زندگی نامه بقیه امامان (علیهم السلام) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) بیان شده است.

سیره نبوی در مناقب

ابن شهر آشوب مباحث مربوط به زندگانی پیامبر (ص) را در سی و چهار فصل بیان می‌کند که این بخش، تقریباً یک ششم از مجموع (چهار جلد) است.
این کتاب فاقد فهرست و بخش‌بندی مناسب است اما می‌توان بر اساس فصولی که مؤلف آورده است، قسمت سیره نبوی (سی و چهار فصل) را به هفت بخش تقسیم نمود:

۱. قبل از بعثت، شامل چهار فصل: بشارت‌های پیامبران پیشین، بشارت‌های پیشگویان، الهامات و نشانه‌ها و رؤیاهای صادقه در مورد تولد و ظهور حضرت، زمان و مکان میلاد و رخداد‌های شگفت‌انگیز هنگام میلاد؛
۲. بعثت تا هجرت از فصل پنج تا ۱۱؛
۳. امور خارق‌العاده مربوط به زندگی پیامبر ﷺ و معجزاتشان از فصل ۱۱ تا ۲۲؛
۴. ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و نام‌ها و القاب ایشان از فصل ۲۲ تا ۲۵؛
۵. مسائل خانوادگی نبی اکرم ﷺ از قبیل نسب، اجداد، نزدیکان و خدمت‌گزاران و اموال ایشان از فصل ۲۵ تا ۲۸؛
۶. گذری اجمالی بر زندگانی پیامبر ﷺ از تولد تا رحلت که گاه تکرار مطالب پیشین است و گاه نکات جدیدی در بردارد، در فصل ۲۸ و ۲۹ که در فصل ۲۹ به تفصیل پیرامون معراج و چگونگی آن و اقوال گوناگون در این باره بحث شده است؛
۷. از هجرت تا وفات که شامل پنج فصل پایانی است.

شیوه‌ ابن شهر آشوب در نگارش سیره نبوی در کتاب مناقب

- ابن شهر آشوب برای نگارش سیره نبوی از سه منبع بهره برده و ضمن ارائه گزارش‌ها، به تحلیل برخی مطالب نیز پرداخته است:
۱. **قرآن:** وی در بخش سیره نبوی استفاده شایانی از آیات قرآن نموده است؛ مانند مطالبی که در فصل بعثت و اتکای پیامبر ﷺ به ابی طالب، محافظت خداوند از پیامبر ﷺ در مقابل مشرکان، اسما و القاب و معجزه‌هایی در گفتار و کردار پیامبر ﷺ.
 ۲. **روایات:** او از اخبار شیعه و اهل سنت در مواردی که متواتر بوده یا اجماع داشته یا شهرت غیر قابل انکار داشته، بهره برده است. یکی از روش‌های ارزیابی نصوص روایی و گزارش‌های تاریخی، عرضه آن‌ها بر قرآن است. ابن شهر آشوب به این مطلب اشاره دارد که روش ما در اخذ احادیث، تکیه بر احادیثی است که موافق قرآن باشد و بدیهی است آن‌چه مخالف قطعی عقل است، در کتاب مناقب وجود ندارد.
 ۳. **بهره‌گیری از اشعار:** وی در این قسمت بیش از ۷۷۶ بیت شعر آورده است.
 ۴. **تحلیل مطالب:** یکی از روش‌های ابن شهر آشوب تحلیل برخی مطالب اختلافی است که چهار

مورد در بخش مربوط به سیره نبوی مشهود است:

أ. افسانه غرانیق؛

ب. جسمانی یا روحانی بودن معراج؛

ج. تبیین برتری پیامبر اسلام ﷺ بر انبیایی که در کتاب نام آن‌ها را برده است؛

د. تبیین القاب پیامبر ﷺ و دلایل به کار بردن آنان به ویژه با استناد از آیات قرآن.

منابع بخش سیره نبوی و راویان

ابن شهر آشوب در بخش سیره نبوی به کتاب‌هایی از علمای شیعه و اهل سنت و راویان آن اشاره می‌کند، آن‌چه را که وی در این بخش ذکر کرده است، در جدول زیر آورده ایم:

فصل	موضوع فصل	کتاب شیعی	کتاب اهل سنت	راویان
۱	البشائر بنبوته (مژده نبوت پیامبر ﷺ)	النبوة ابن بابويه ^۱ ، اکمال الدین و تمام النعمه ابن بابويه، روضه الواعظین فتال نیشابوری	سیره ابن اسحاق نزهة القلوب ثعلبی دلائل النبوة ابوبکر بیهقی	ابوعبدالله ﷺ، امیرالمؤمنین ﷺ، ابن عباس
۲	المنامات و الآیات (خواب‌ها و نشانه‌ها)	_____	شرف النبی خرگوشی اعلام النبوة ماوردی سیره ابن اسحاق	ابوطالب ﷺ، ابوعباس بن عبدالمطلب، الزهري
۳	فی مولده (میلاد پیامبر ﷺ)	_____	سیره ابن اسحاق	ابان بن عثمان، امام صادق ﷺ، علی بن ابراهیم بن هاشم، امیرالمؤمنین ﷺ، مفضل بن عمر از اباعبدالله ﷺ، ابن مسکان
۴	فی منشأه (پرورش پیامبر ﷺ)	کافی کلینی، تفسیر القاضی المعتمد (ابن براج)	شرف المصطفی ابوسعید الواعظ، تاریخ طبری، تاریخ النسوی، شرف المصطفی خرگوشی، ربیع الابرار و الکشاف زمخشری، السیر جوینی	ابانة بن بطة، الازعاعی، ابن عباس، بکر بن عبدالله الاشجعی، یعلی بن سیابة الحسن، الواقدی، ابی صالح

۱. کتابی به این نام از ابن بابویه یافت نشد. البته این روایت در اکمال الدین ابن بابویه، ج ۱، ص ۱۶۹، باب ۱۱ موجود است.

فصل	موضوع فصل	کتاب شیعی	کتاب اهل سنت	راویان
۵	فی مبعث النبی ﷺ (بعثت پیامبر ﷺ)	تفسیر علی بن هاشم القمی	_____	الشعبی، داود بن عامر، ابن عباس، محمد بن کعب، عایشه، قتاده، ابن جبیر، الکلبی، زرین حبیبش، محمد بن المنکدر
۶	فیما لاقی من الکفار فی رسالته (آن چه پیامبر ﷺ از کافران دید.)	_____	الفائق زمخشری، المعانی زجاج، اسباب النزول واحدی، تفسیر ثمالی	ابن عباس، الکلبی، علم الهدی، القشیری، السدی، عکرمه، مجاهد، الاصب، طارق المحاربی، الشیصان
۷	فی استظهاره ﷺ بابی طالب (اتکای پیامبر ﷺ به ابوطالب)	کتاب النبوة ابن بابویه	تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری، سیره ابن اسحاق، اسباب النزول واحدی، صحیح بخاری، شرف المصطفیٰ خرگوشی	امام زین العابدین (علیه السلام)، ابن عباس، الضحاک، مقاتل، عکرمه، عروة بن زبیر
۸	فیما لقیه ﷺ من قومه بعد موت عمه (آن چه پیامبر ﷺ پس از درگذشت عموییش از قبیله خود دید.)	_____	_____	الحسن العسکری (علیه السلام)، الزهری
۹	فی حفظ الله تعالی من المشرکین و کید الشیاطین (حفاظت خداوند از پیامبر ﷺ در برابر مشرکان و نیرنگ شیطان ها)	_____	سیره ابن اسحاق	جابر بن عبدالله، ثمالی، حذیفه، ابوهریره، ابن عباس، عکرمه، کلبی، انس، عبدالله بن مغفل، ابن جبیر، محمد بن ثور، ابوذر
۱۰	فی استجابة دعواته ﷺ (استجابت دعاها و نفرین های پیامبر ﷺ)	_____	المجالس ابن المهدی الماطیری، اعلام النبوة ماوردی، الاغانی ابوالفرج اصفهانی، مغازی واقدی، نزهة الابصار علی بن مهدی مامطیری	جابر بن عبدالله، امام صادق (علیه السلام)، ابن عباس، مجاهد، جعفر بن نسطور الرومی، ابوهریره، امیرالمؤمنین (علیه السلام)

فصل	موضوع فصل	کتب شیعی	کتب اهل سنت	راویان
۱۱	الهواتف فی المنام او من الاصنام (سروش‌هایی در خواب یا از بت‌ها)	_____	تاریخ طبری	مازن بن العصفور الطائی، ابوعمیس، سعد بن جبیر، عمرو بن جبلة الکلبی، الزهری
۱۲	فی نطق الجمادات (به سخن در آمدن بی جان‌ها)	تفسیر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	مسند احمد	امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> ، علقمه، ابن عباس، امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> ، جابر الانصاری، ابی بن کعب، ابوهریره
۱۳	فی کلام حیوانات (به سخن در آمدن جانوران)	تفسیر الامام <small>علیه السلام</small>	سیره ابن اسحاق، مغازی واقفی	ابوهریره، عایشه، زید بن الارقم، ام سلمه، امام صادق <small>علیه السلام</small> ، جابر الانصاری، عبادة بن الصامت، امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> ، عروة بن زبیر، عبدالرحمن العنبری، انس، محمد بن المنکدر، الخدری، شمر بن عطیه
۱۴	فی تکثیر الطعام و الشراب (برکت در خوراک و آشامیدن)	_____	صحیح بخاری	ابوهریره، ابوسعید، واثله بن الاسقع، عبدالله بن عاصم، بلال، عمر بن الخطاب، انس، جابر بن عبدالله، ابوعوانه، امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۵	فی معجزات اقواله <small>صلی الله علیه و آله</small> (معجزه‌هایی در گفتار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>)	_____	شرف المصطفیٰ خرگوشی	ابورجاء العطار دی، الزجاج، الضحاک، الزبیری، الشعبی، قتاده، جابر بن عبدالله، الکلبی، ابوجعفر <small>علیه السلام</small> ، سلیمان بن صرد، ابوهریره، انس، حریر بن عبدالله البجلی، ابوشهم
۱۶	فی معجزات افعاله <small>صلی الله علیه و آله</small> (معجزه‌هایی در کردار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>)	امالی طوسی	دلائل النبی ابوبکر القفال، الفائق زمخشری، امالی حاکم نیشابوری	محمد بن منکدر، حمد بن خاطب، ابوالعباس احمد بن عطیه، عروة بن زبیر، ابی بن خلف، ابوهریره، ابوعبدالله الحافظ، جابر بن عبدالله، هند بنت الجون، حبیب بن خالد، ابومعبد خزاعی

فصل	موضوع فصل	کتاب شیعی	کتاب اهل سنت	راویان
۱۷	فی معجزاته فی ذاته ﷺ (معجزه‌های پیامبر ﷺ در شخص وی)	_____	ربیع الابرار زمخشری	عایشه، السدی، امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۱۸	فی اعجازه ﷺ (اعجاز پیامبر ﷺ)	تفسیر علی بن ابراهیم بن هاشم	مغازی واقدی	امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ابن عباس، ابن مسعود، امام صادق (علیه السلام)، ابوایوب، سلمان، جابر
۱۹	فیما ظهر من الحيوانات والجمادات (آن چه از جانوران و جمادات آشکار شده است)	_____	سیره ابن اسحاق، شرف المصطفیٰ خرگوشی، صحیح بخاری	سلمان، ابن عباس، ضحاک، انس
۲۰	فی المفردات من المعجزات (گلچینی از معجزه‌ها)	_____	صحیح مسلم	جابر
۲۱	فیما ظهر من معجزاته بعد وفاته ﷺ (معجزه‌های پیامبر ﷺ پس از رحلت ایشان)	_____	_____	خزیم بن اوس، ابوهریره، انس بن حارث، حذیفه، ابن عباس
۲۲	فیما خصه الله تعالی به ﷺ (آن چه خداوند پیامبر ﷺ را بدان مخصوص ساخت)	_____	_____	ابوعبدالله (علیه السلام)
۲۳	فی آدابه و مزاحه ﷺ (آداب و شوخی پیامبر ﷺ)	_____	_____	انس، زیدبن اسلم، ابن عباس
۲۴	اسمائهُ و القابهُ ﷺ (نام‌ها و لقب‌های پیامبر ﷺ)	_____	_____	_____

فصل	موضوع فصل	کتاب شیعی	کتاب اهل سنت	راویان
۲۵	نسبه و حلیته ﷺ (نسب و ویژگی های ظاهری پیامبر ﷺ)	روضه الواعظین فتال نیشابوری نهج البلاغه	شمائل ترمذی تاریخ طبری فائق زمخشری	امیرالمؤمنین ﷺ، ابن عباس، ابی هریره، جابر بن سمره، هندبن ابی هاله، انس، ابن عمر، عایشه، ابوجحیفه، ام هانی
۲۶	اقربائه و خدامه ﷺ (خویشاوندان و خدمتکاران پیامبر ﷺ)	مبسوط طوسی، اعلام الوری طبرسی، الشافی سید مرتضی، تلخیص طوسی	نزهة الابصار علی بن مهدی مامطیری، امالی حاکم نیشابوری، شرف المصطفی خرگوشی، تاریخ طبری، انساب الاشراف بلاذری، الانساب ابوالقاسم کوفی، تاج التراجم الانوار، الکشف، اللمع	امام صادق ﷺ، امام زین العابدین ﷺ، ضحاک، مقاتل، مجاهد
۲۷	امواله و رقیقته ﷺ (اموال و بردگان پیامبر ﷺ)	_____	_____	_____
۲۸	احواله و تواریخه ﷺ (احوال و سرگذشت نامه پیامبر ﷺ)	کافی کلینی	تاریخ طبری، مغازی واقدی، سیره ابن اسحاق تاریخ حلبی، تاریخ النسوی صحیح بخاری	زهره، ابن عباس، انس، ابی عبدالله ﷺ، حسن، شعبی
۲۹	معراج ﷺ (معراج پیامبر ﷺ)	_____	مغازی واقدی	السدی، ابن عباس، ابوبصیر ابوهریره، قتاده
۳۰	هجرت ﷺ (هجرت پیامبر ﷺ)	_____	_____	_____
۳۱	غزواته ﷺ (پیکارهای پیامبر ﷺ)	_____	مغازی واقدی، تفسیر ثعلبی، تاریخ طبری، سیره ابن اسحاق، شرف المصطفی خرگوشی	عروة بن زبیر، الکلبی، ابوجعفر ﷺ، ابوعبدالله ﷺ، السدی، الحسن، قتاده، انس، ابن عباس، مجاهد، الزهري، ابوالحسن المدائنی، زیدبن ارقم، فضیل بن یسار، ابان، ابوهریره، امام باقر ﷺ، امام صادق ﷺ، جابر
۳۲	فی اللطائف (نکته های باریک و لطیف)	تفسیر ابن جریج	_____	امام الرضا ﷺ، الکلبی

فصل	موضوع فصل	کتاب شیعی	کتاب اهل سنت	راویان
۳۳	فی النکت و الاشارات (نکته‌ها و اشاره‌ها)	_____	_____	الحسن، قتاده، جابر، ابوهریره، المرتضی، محمدبن علی الرضا <small>علیه السلام</small> ، سیبویه، انس، ابوهریره
۳۴	فی وفاته <small>صلی الله علیه و آله</small> (رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>)	الولاية طبری الکافی کلینی	الإیانة ابن بطة، تاریخ طبری، صحیح مسلم، صحیح بخاری، مسند ابویعلی فضائل احمد، صحیح دارقطنی، الفضائل سمعانی، مسند احمد، سنن ابن ماجه، ابانه عکبری، حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی، الاخن و المحن صفوانی، مسند موصلی	ابن عباس، السدی، ام سلمه، امام باقر <small>علیه السلام</small> ، امام صادق <small>علیه السلام</small> ، انس، عایشه، ابن مسعود

با توجه به مطالب ذکر شده، به دست می‌آید که ابن شهرآشوب علاوه بر بهره‌گیری از قرآن کریم، از منابع و روایاتی بهره برده است که نزد عامه و خاصه مقبول بوده و سخن و حدیث‌شان مورد پذیرش واقع می‌شود؛ مانند امیرالمؤمنین علیه السلام، ام سلمه و ابن عباس یا روایات و گزارش‌های مورد قبول ویژه اهل سنت؛ مانند احادیث عایشه، ابوهریره، ابی‌بن‌کعب و نیز مدعی است که حذف اسناد به علت شهرت فراوان آن بوده است.

گزیده‌ای از لطائف سیره نبوی در کتاب مناقب

از آنجا که بنای این نوشتار به اختصار است، به ذکر نکاتی چند در باب مطالب مطرح شده در فصول مربوط به سیره نبوی می‌پردازیم:

۱. ابن شهرآشوب گرچه در ابتدای کتاب مناقب بر اساس سنتی که در سیره‌نویسی وجود داشته، پیش رفته و بشارت‌های انبیایی چون حضرت ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و غیب‌گویان و کاهنان را آورده است ولی بیشترین تفاوت کار وی با سیره‌نویسان معمولی این است که در مناقب، بیشتر به مطالب خوارق عادت و معجزه‌گونه و یا فضایل اخلاقی و سیره

عملی اشاره می‌کند و کمتر به تاریخ مرسوم پرداخته و یا به اختصار از آن گذر کرده است؛ برای مثال حوادث بعثت تا هجرت را بسیار مختصر ذکر می‌کند؛ در حالی که ابن هشام در سیره‌اش، اکثر مطالب جلد اول که ۳۹۰ صفحه است و تقریباً ۷۰ صفحه از جلد دوم را به این امر اختصاص داده است.

۲. ابن شهر آشوب در فصل اسما و القاب (فصل ۲۴) با این‌که اظهار می‌دارد خداوند در قرآن کریم، پیامبر ﷺ را با چهار صد اسم نامیده ولی در مجموع بیش از صد و چهارده نام را ذکر نکرده است. وی حتی هر یک از حروف مقطعه را یک نام جداگانه محاسبه نموده است؛ مثلاً «یس» را دو اسم محسوب، و در انتها بدون ذکر اسامی دیگر با جمله «و سرانجام آیه‌ها و لقب‌هایی از این دست» از مطلب عبور می‌کند. البته لازم به ذکر است که برخی از این اسامی را که به عنوان نام پیامبر ﷺ مطرح شده است نمی‌توان نامی خاص برای حضرت دانست؛ مانند انسان و رجل. افزون بر این به اسمائی که در اخبار، تورات، زبور، انجیل و صحف آمده نیز اشاره می‌کند. سپس ۲۰۰ لقب، ۱۰ کنیه، شش صفت و در انتها ۱۱ نسب پیامبر ﷺ مانند عربی، تهامی، هاشمی و... را برمی‌شمارد و سپس در فصل بعد به تفصیل به نسب و ویژگی‌های ظاهری پیامبر ﷺ می‌پردازد.

۳. وی در فصل «لطائف» (فصل ۳۲) بر اساس قرائن موجود در آیات و روایات، پس از مقایسه پیامبر ﷺ با برخی از پیامبران بزرگ الهی مانند ابراهیم، نوح، موسی و عیسی ﷺ و... ثابت می‌کند که در هر زمینه‌ای از فضائل و کرامات، پیامبر ﷺ کمالاتی افزون بر آنان داشته‌اند. بدین معنا که پیامبر اسلام ﷺ از همه پیامبران در ارائه کمالات نفسانی و خوارق عادات و ظهور قدرت‌های فردی و اجتماعی برتر بوده است.

۴. یکی از فصول جالب در کتاب مناقب فصل ۳۳ «فی التُّكَيْتِ وَالْإِشَارَاتِ» است. ابن شهر آشوب در این فصل به نکته‌هایی زیبا درباره پیامبر ﷺ اشاره می‌کند؛ مانند:

- بعضی از نام‌های پیامبر ﷺ در قرآن و توضیح درباره آن‌ها مثل طه: «طاء» اشاره به طول و گشاده‌دستی و چیرگی پیامبر ﷺ و «هاء» اشاره به هدایت‌گری ایشان دارد، سپس اقوال دیگری نیز در علت این تسمیه آورده است.
- نامیده شدن پیامبر ﷺ به «نبی» در ۱۳ آیه قرآن.
- قرآن ۱۲ پیامبر الهی را به سبب بعضی از اوصاف نیکو ستوده است؛ مانند رحمت و مهرورزی حضرت ابراهیم ﷺ (هود: ۷۵) ولی اوصاف نیکوی پیامبر ﷺ را برتر و عالی‌تر از

- دیگران می‌داند؛ مانند رحمت شدید و افزون‌تر ایشان. (کهف: ۶)
- خداوند در قرآن به ۱۵ امر مرتبط با پیامبر ﷺ سوگند خورده است: قسم به خُلق پیامبر ﷺ، (قلم: ۴- ۲) قسم به قرآن پیامبر ﷺ، (ق: ۱) قسم به شریعت او، (عصر: ۱) و
- همه آن چه پیامبران دیگر از خداوند درخواست نموده‌اند، به پیامبر اسلام ﷺ بدون درخواست از سوی خداوند عطا شده است؛ مانند این که حضرت آدم ﷺ از خداوند طلب بخشش نمود (اعراف: ۲۳) ولی خدا خود به پیامبر ﷺ فرمود: خداوند از تو در گذرد؛ (فتح: ۲) هم چنین حضرت موسی ﷺ از خدا درخواست شرح صدر نمود (طه: ۳۵) اما خداوند خود به پیامبر اعظم ﷺ فرمود: ﴿أَمْ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ﴾. (انشراح: ۱)
- اشاره به ۲۲ ویژگی پیامبر ﷺ در قرآن؛ مانند برترین آفریده، (انفطار: ۷) زیباترین، (تین: ۴) پاک‌ترین، (طه: ۱ و ۲) بافضیلت‌ترین، (نساء: ۱۱۳) و عزتمندترین. (توبه: ۱۸)
- خداوند سه چیز را برای خشنودی پیامبر ﷺ مطابق خواست وی عطا نموده که عبارتند از: نماز «... پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن با ستایش پروردگارت او را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز؛ باشد که خشنود گردی»، (طه: ۱۳۰) شفاعت «و به زودی پروردگارت تو را [شفاعت] عطا خواهد داد تا خرسند گردی» (ضحی: ۵) و قبله «پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم». (بقره: ۱۴۴)
- خداوند نام پیامبر ﷺ را در کنار نام خود در ۱۰ جای قرآن قرار داده است؛ مانند: منافقون: ۸، آل عمران: ۳۲ و نساء: ۱۴.
- ذکر برخی امور که جلالت و عظمت شأن پیامبر ﷺ را هویدا می‌سازد؛ مانند نسخ آیین‌ها به جز آیین او، نهی از خطاب پیامبر ﷺ به مانند خطاب دیگر مردم (نور: ۶۳) و نهی از بلند کردن صدا در پیشگاه او. (حجرات: ۲)
- خداوند دست‌یابی به پنج موهبت را در گروه پیروی از پیامبر ﷺ قرار داده است که عبارتند از: محبت و مغفرت، (آل عمران: ۳۱) رستگاری، (اعراف: ۱۵۸) هدایت (طه: ۱۲۳) و رحمت. (اعراف: ۱۵۸)
- خداوند در قرآن کریم اندام و اعضای بدن پیامبر ﷺ را ستوده است؛ مانند سر مبارکش، (مدثر: ۱) چشمانش، (حجر: ۸۸) کلام او (نجم: ۳) و شخص ایشان. (نساء: ۸۴)

- ابن شهر آشوب در این فصل، ذیل نام شریف پیامبر ﷺ (محمد) مطالبی را بدون ذکر مستندات عقلی و یا نقلی آورده است و تنها با عنوان «برخی گفته‌اند» یا «می‌گویند» بسنده کرده است. به نظر می‌رسد در این مطالب نوعی استحسان و ذوق به کار رفته و قابل اثبات نیست و شاید به همین دلیل مطلب را با کلمه «قیل» آورده است. هم‌چنین علت نام‌گذاری پیامبر ﷺ به «امین» را به ماجرای بازسازی کعبه مربوط دانسته، ولی پس از آن می‌گوید که پیامبر ﷺ مدت‌ها قبل از این ماجرا به امین ملقب و معروف شده بودند.

- انتهای این فصل، پیرامون مساوی بودن عدد ابجدی حروف کلمات سید النبیین با المصطفی محمد رسول الله ﷺ است که عدد هر کدام از آن دو ۷۱۴ می‌شود (یعنی جمع عدد ابجدی حروف جمله هر یک از آن دو ۷۱۴ می‌شود).^۱

تأثیر کتاب مناقب (سیره نبوی) در آثار بعدی

با بررسی کتاب‌های نگاشته شده پس از مناقب به نظر می‌رسد، بیشترین بهره از مناقب را مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار و کتاب حیاة القلوب برده است. شاید علت عدم استفاده صریح و مستقیم از کتاب مناقب در بخش سیره نبوی در این فاصله (۶ قرن) وجود کتاب‌های متقدم مانند سیره ابن‌هشام و تاریخ طبری باشد. البته برخی نویسندگان شیعی مانند اربلی در کتاب کشف‌الغمه بدون آن‌که نامی از مناقب در قسمت سیره نبوی برده باشد، از آن استفاده نموده‌اند. کتاب مناقب پس از مرحوم مجلسی در آثار و کتاب‌های بعدی شیعه بسیار مورد استناد قرار گرفته است.

در کتاب بحارالانوار ۱۳۶۴ مورد از کتاب مناقب استفاده شده که ۱۶۰ مورد در بخش سیره نبوی است. بحث سیره نبوی در کتاب بحارالانوار در مجلدات ۱۵ تا ۲۲ آمده است. در جلد ۱۵ با ارائه ۲۷ روایت از کتاب مناقب مباحثی چون میلاد و بشارت به تولد حضرت ختمی مرتبت ﷺ و اجداد و دوران کودکی حضرت را آورده است. در جلد ۱۶ با ارائه ۱۲ روایت از مناقب به ماجرای ازدواج با حضرت خدیجه رضی الله عنها، فضایل حضرت و اسما و القاب ایشان اشاره کرده است. در جلد ۱۷ با ارائه ۲۲ گزارش از مناقب به برخی معجزات پیامبر ﷺ پرداخته و شبهه افسانه‌گرایی را

۱. اعراب برای هر یک از حروف الفبا مقدار عددی قرار داده بودند و اعداد را به وسیله آن نمایش می‌دادند و به وسیله آن‌ها حساب می‌کردند؛ (آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ج ۱، ص ۳۷۹) مانند ۱۱۰ که عدد ابجدی نام علی رضی الله عنه می‌باشد.

پاسخ می‌دهد. در جلد ۱۸ با ارائه ۵۰ گزارش از مناقب معجزاتی دیگر در ارتباط با پیامبر ﷺ و ماجرای بعثت و چگونگی وحی را آورده است. در جلد ۱۹ با ارائه ۱۴ گزارش از مناقب چگونگی هجرت به مدینه و ماجراهایی پس از آن را بیان می‌کند. در جلد ۲۰ از ۱۰ روایت مناقب در زمینه غزوات پیامبر ﷺ و نامه‌هایی که ایشان به پادشاهان نوشته، بهره می‌برد. در جلد ۲۱، نه گزارش از مناقب در زمینه برخی غزوات دیگر و مباحله و عام‌الوفود را بیان می‌دارد. بالاخره در جلد ۲۲ با ارائه ۱۶ روایت از مناقب مواردی مانند همسران و فرزندان و خویشاوندان پیامبر ﷺ، ماجرای اسلام آوردن سلمان، وصیت و وفات حضرت را بیان کرده است.

با توجه به موارد یاد شده به نظر می‌رسد مرحوم مجلسی در کتاب بحار الانوار تقریباً از اکثر مطالب مرحوم ابن شهر آشوب در کتاب مناقب در بخش سیره نبوی استفاده کرده و یا به گونه‌ای بهره برده است.

نتیجه

کتاب مناقب یکی از شاه‌کارهای دیرین و اثر جاودانه ابن شهر آشوب با بهره‌گیری از صدها کتاب تألیف شده و مؤلف با نقل از مصادر مختلف و یاد از اسامی آن‌ها، کار با ارزشی انجام داده است. با توجه به از بین رفتن بسیاری از منابع اسلامی در سده هفتم - به علت حمله مغولان - و دسترسی ابن شهر آشوب به آن منابع، کتاب مناقب منبعی معتبر و ارزشمند برای دانشمندان بعد از ایشان محسوب می‌شود. ابن شهر آشوب فقیهی راست‌گو و محقق متبحر و قابل اعتماد بود، نه کتابی پیش از او بدین گستردگی تألیف شده و نه کتابی در زمینه فضایل و مناقب اهل بیت ﷺ پس از آن توانسته از این کتاب بی‌نیاز باشد. ابن شهر آشوب با تبخری عالی، روش‌مندانه در مقدمه کتاب، روش کار و منابع و طرق حدیثی خود را شرح داده است. وی در مقدمه کتاب مطالبی درباره شرایط اجتماعی زمان خود و غرض‌ورزی‌های مخالفان بازگو می‌کند و از روایان متعصب اهل سنت سخت گلّه دارد که حتی به منقولات خود نیز احترام نگذاشته و اخبار صحیح و فراوان درباره فضایل و برتری‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) را کتمان و یا تأویل می‌کنند.

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابیطالب در بیان مناقب پیامبر ﷺ به دنبال کشف حقیقت است؛ از این رو با دقت تمام با ارائه روش علمی دقیق سعی دارد تا به دور از تعصبات مذهبی حقیقت را برای خواننده نمایان سازد. با توجه به مقدمه‌ای که پیرامون پایمال شدن حق

امیرالمؤمنین (علیه السلام) ذکر کرده، اینگونه برداشت میشود که ایشان کار اصلی خود را دفاع از حقانیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امامان شیعه (علیهم السلام) و ذکر فضایل و مناقب ایشان قرار داده است و کتاب خود را «مناقب آل ابی طالب» نام گذاری کرده است. اما در پاسخ چرایی آغاز کتابش با ذکر سیره و مناقب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، می توان دلایل زیر را مطرح کرد:

۱. تیمن و تبرک جستن از نام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همچنین رفع اتهام به شیعه مبنی بر

اولی دانستن امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم):

۲. اثبات لزوم انتصاب الهی برای کسانی که نقش جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به عهده دارند و طعن بر کسانی که انتخاب جانشین را به عهده مردم می دانند و شاید اهتمام گسترده وی در نقل خوارق عادات و معجزه نیز به همین علت باشد که خاطر نشان شود، جایگاه معصومین (علیهم السلام) ویژه است و با دیگران قابل قیاس نیست؛

۳. بسیاری از دلایل اثبات حقانیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فضایل ایشان، در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در کنار ایشان بوده است؛

۴. از آنجا که ابن شهر آشوب در صدد دفاع از حقوق پایمال شده اهل بیت (علیهم السلام) و اثبات حقانیت ایشان بوده، در ذکر منابع معمولاً مصادر اهل سنت را بر منابع شیعی مقدم داشته و سعی کرده از منابع و مطالبی که برای آنان متقن و محکم بوده است، بهره برد که حتی الامکان چارهای جز پذیرش را باقی نگذارد؛ به ویژه آن که به قرآن نیز در موارد متعدد استناد کرده است.

در پایان پیشنهاد می شود با توجه به ضعف سندی که در بعضی از اخبار مناقب پیرامون معجزات و بشارت ها وجود دارد، (بیش از یک سوم بخش سیره نبوی - ۹۲ صفحه از ۲۴۴ صفحه - درباره بشارت و معجزات است) محققان علم رجال و سیره به اسناد این گزارشها توجه ویژه مبذول داشته و این اخبار را بررسی و طبقه بندی کنند. از سوی دیگر لازم به ذکر است که در عصر علمزدگی کنونی شاید نتوان بسیاری از این امور خارق العاده نقل شده ابن شهر آشوب را برای عموم مردم رواج داد؛ زیرا ممکن است باعث شود مردم، دیگران بزرگواران را اسوه و الگوی خویش قرار ندهند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
۱. آئینه‌وند، صادق، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، چاپ اول: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
 ۲. ابن شهر آشوب السروی المازندرانی، ابی جعفر رشیدالدین محمد بن علی، *المناقب*، علامه، قم، [بی تا] (الف).
 ۳. _____، *معالم العلماء: المطبعة الحیدریة*، نجف، [بی تا] (ب).
 ۴. حکیم زاده، فرزانه، *شیوه استفاده از متون تاریخی*، چاپ اول: دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۰.
 ۵. خوانساری، سید محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۱ ق.
 ۶. دوانی، علی، *مفاخر اسلام*، چاپ اول: امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
 ۷. سیاح، احمد، *دائرة المعارف سیاح*، چاپ اول: انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۶۸.
 ۸. صابری، حسین، *مناقب خاندان نبوت و امامت*، برگردان فارسی مناقب آل ابیطالب، چاپ اول: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۲.
 ۹. صدر حاج سید جوادی، احمد، و... *دائرة المعارف تشیع*، چاپ دوم: مؤسسه دائرة المعارف، تهران، ۱۳۶۰.
 ۱۰. الصفدی، *الوافی بالوفیات*، دار احیاء التراث عربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
 ۱۱. تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ دوم: دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
 ۱۲. _____، _____، چاپ دوم: دار الاضواء، بیروت، [بی تا].
 ۱۳. قمی، شیخ عباس، *الکنی و الالقاب*، مکتبة الصدر، تهران، ۱۳۹۷ ق.
 ۱۴. مجلسی، محمد باقر، *حیوة القلوب*، تحقیق سید علی امامیان، چاپ دوم: سرور، قم، ۱۳۷۸.
 ۱۵. _____، *بحار الانوار و درر الاخبار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
 ۱۶. مدیر شانه چی، کاظم، *درایة الحدیث*؛ چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
 ۱۷. موسوی بجنوردی، کاظم (زیر نظر)، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، ۱۳۷۷.
 ۱۸. النوری الطبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، چاپ اول: آل البيت، بیروت، ۱۴۰۸ ق.